پای درس علی(ع)

شاخص‌های دنیای حرام

امام علی(ع):... خانه جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت، و سرمنزل ناآرامی است، جایگاه دیدار کردن‌ها و جدایی‌ها است، راه‌های آن حیرت‌زا، گریزگاه‌هایش ناپیدا، و خواسته‌هایش نومیدکننده و زیانبار است، پنگاه‌های دنیا انسان را تسلیم مرگ می‌کند و از خانه‌های خود بیرون می‌راند، و چاره‌اندیشی‌های آن ناتوان‌کننده است.

نهج‌البلاغه- خطبه ۱۹۱

به بهانه سالگرد صدور فرمان کشف حجاب توسط رضاخان

بانیان فرقه بهائیت آغازگر کشف حجاب در ایران

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

برای اولین‌بار در ربیع‌الثانی ۱۲۶۴ هجری قمری برابر با ۱۲۲۷ شمسی و ۱۸۴۸ میلادی بود که زنی به نام «طاهره قره‌العین» از اعوان و انصار علی محمد باب (بانی فرقه‌های ضاله بابیه و بهائیت) در دشت بدشت شاهرود، کشف حجاب کرد. کشف حجابی که حتی مورد حیرت طرفداران باب قرار گرفت و باعث شد تا جمعی از آنها از باب کناره‌گیری کرده و گروهی به تشویق طاهره به فعالیت‌های تروریستی روی آورند که ترور ملا صالح برغانی (عموی طاهره) از نخستین آنها بود.[1]

براساس اسناد معتبر تاریخی از جمله مکتوبات برخی مورخین و مبلغین پیشین این فرقه‌ها (که به وابستگی و خباثت آنها پی برده و جدا شدند)، فرقه‌های ضاله بابیه و بهائیت توسط کانون‌های صهیونی به وجود آمد و توسط آنها هدایت و سمت و سو گرفت. این دو فرقه اولین گروه‌های تروریستی مانند «کمیته مجازات» و مانند آن را در تاریخ معاصر این سرزمین به وجود آوردند و سعی کردند با همکاری انجمن‌های فراماسونری، این جامعه را برای روی کارآوردن یک دیکتاتوری وابسته یعنی حکومت رضاخان به جامعه‌ای ناامن و در هم ریخته تبدیل نمایند.[2]

آنها با متمرکز شدن در انجمن‌های مخفی دوران مشروطه به همراه فراماسون‌ها، در به انحراف کشاندن جنبش مشروطه از نهضتی مردمی به مشروطه انگلیسی که از دیگ پلوی سفارت انگلیس سر برون آورد، نقش اصلی را داشته و بعدا هم از عوامل اصلی کودتای سیاه رضاخانی و روی کارآوردن نخستین دولت دست‌نشانده تاریخ ایران شدند.

به پاس همین خدمات بود که یکی از سران فرقه بهائیت به نام عباس افندی ملقب به «عبدالبهاء» از سوی جرج پنجم، پادشاه بریتانیا، لقب «سِر» گرفت و مدال و نشان آن توسط ژنرال آلنبی فرمانده نیروهای بریتانیا در غرب آسیا طی مراسمی به او اعطا شد.

پس از آن اعضای فرقه ضاله بهائیت در راستای عملیاتی کردن برنامه‌های اسلام‌ستیزانه کانون‌های صهیونیستی، به ترویج بی‌حجابی در جامعه اسلامی ایران و مردم مسلمان روی آوردند. در دوران قاجار از طریق انجمن‌ها و کانون‌های وابسته سعی در زمینه سازی‌های ذهنی به خصوص از طریق القاء سبک زندگی و شیوه‌های رفتاری غربی‌ها داشتند و با روی کار آمدن رضاخان و حضور بهائیان و فراماسونرها در دستگاه‌های مختلف به اصطلاح فرهنگی/ سیاسی پهلوی اول، اسلام زدایی و به خصوص ترویج بی‌حجابی روندی رسمی‌تر و علنی‌تر یافت.

وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها مانند مطبوعات و کتاب و تئاتر و سینما و... مهم‌ترین نقش را در این میان ایفا کرده و پیش از هر اقدام رسمی و علنی، زمینه‌های ذهنی آن را در جامعه به وجود آوردند.

احسان یارشاطر، یک بهائی وابسته به دربار شاه که سال‌ها در خدمت محافل صهیونی، به فعالیت‌های ضدایرانی و ضد اسلامی‌اش ادامه داد، در گفت‌وگویی، به زمینه‌چینی رفتارهای غیراخلاقی و ترویج سبک زندگی غربی توسط سینما و رسانه‌هایی مانند آن اعتراف کرد. او گفت:

«...کشف حجاب به هر حال در ایران اتفاق می‌افتاد؛ ولی خیلی طول می‌کشید... وقتی شعرا در ذم حجاب شعر گفته‌اند و فیلم‌های سینمایی هم تصویر زن بی‌حجاب و شکل و شیوه حضورش را در جامعه به صورتی مثبت نشان داده‌اند، جامعه در برخی سطوح و تا اندازه‌هایی آمادگی پذیرفتن چنین فرمانی را دارد...»[3]

اما تا وقتی که کانون‌های استعماری صهیونی به‌طور علنی رضاخان را وادار به اجرای تئوری کشف حجاب نکرده بودند، سیر ماجرا به همان صورت تدریجی و بطئی پیش می‌رفت. ولی هر چه پیش رفتند دریافتند که به جز اقشاری محدود از طبقات مرفه جامعه و آنها که در سفرهای فرنگ یا مراوده با فرنگی‌ها در داخل کشور، شیفته و مفتون فرهنگ غربی شده بودند، قاطبه ملت مسلمان ایران به هیچ وجه زیر بار پذیرفتن سبک زندگی غربی و به خصوص برداشتن حجاب زنان نمی‌رفت.

پس به این نتیجه رسیدند که بایستی خشن‌تر و با زور و قلدری به تغییر فرهنگ مردم ایران و به خصوص حجاب‌زدایی از زنان و دختران مسلمان اقدام نمایند. همان هدفی که به خاطرش رضاخان قلدر بی‌سواد را به حکومت رسانده بودند. اما رضاخان بی‌سوادتر از آن بود که بتواند چنین پروژه‌های پیچیده و مهمی را طراحی نماید.

در این بزنگاه تاریخی بود که پس از چند سال، مجددا محمد علی فروغی فراماسونر را به عنوان صدراعظم رضاخان، روی کار آوردند. همان فروغی که به هنگام آغاز سلطنت رضاخان، در کنارش بود و برایش ریشه‌های باستانی تراشید و او را وارث کوروش و داریوش هخامنشی معرفی کرد.

نخستین اقدام دولت فراماسون فروغی برای به وجود آوردن اصلاحات صهیونیستی در ایران، فرستادن رضاخان به خارج کشور و ترکیه بود. دقیقا همان عملی که میرزاحسین خان سپهسالار (رئیس اولین دولت فراماسونی در ایران) با ناصرالدین شاه قاجار کرد و با بردن وی به فرانسه و فراهم آوردن زمینه دیدار و ملاقات وی با بارون روچیلد و رئیس اتحادیه جهانی اسرائیلیت، مجوز اولین حضور رسمی تشکیلات جهانی صهیونیسم در ایران را با تاسیس مدارس آلیانس کسب کرد.

اسناد موجود حاکی از آن است که رضاخان نیز پس از دیدار از ترکیه تحت تاثیر القائات افرادی همچون محمدعلی فروغی، محمود جم و علی‌الخصوص علی‌اصغر حکمت، شیفته اصلاحات استعماری در کشور شد و نقشه فراماسون‌های فوق را برای عملی ساختن تهاجم صهیونیسم به فرهنگ ایرانیان تایید کرد. همین علی‌اصغر حکمت است که مورخین معاصر، وی را طراح اصلی جریان «کشف حجاب» می‌دانند.

برنامه فوق با ترویج و تحمیل لباس غربی به ایرانیان تحت عنوان متحدالشکل کردن لباس‌ها مطرح شد و با ماجرای کشف حجاب که مستقیما باورها و اعتقادات مذهبی مردم مسلمان را هدف قرار می‌داد، به اوج خود رسید.

علی‌اصغر حکمت، خود در کتاب خاطراتش تحت عنوان «سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی» از ماجرای کشف حجاب و تمهیداتی که برای اجرای آن اندیشیده بود، شرح کاملی ارائه می‌دهد. حکمت که ۶ سال متمادی بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۷ بر منصب بسیار حساس وزارت معارف قرار گرفته بود، از تیرماه ۱۳۱۳ با طرح موضوع در جلسه هیئت وزیران و سپس تشکیل کانون بانوان، پروژه کشف حجاب را کلید زد.

وظیفه این کانون، آنچنان که حکمت در خاطراتش ذکر نموده، آماده‌سازی افکار عمومی برای اجرای طرح کشف حجاب بود. حکمت در گوشه گوشه خاطراتش، خود را نفر اول در قضیه کشف حجاب معرفی کرده است. او حتی نوشته که روز و مکان جشن ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ برای مراسم علنی کشف حجاب و حضور خاندان سلطنت در این مراسم را وی به رضاخان پیشنهاد داده بود.

برای آشنایی با پیشینه علی‌اصغر حکمت بهتر است به خاطرات مئیر عزری، اولین سفیر رژیم اسرائیل در ایران رجوع کنیم. عزری در جلد اول این خاطرات به نام «یادنامه» نوشته:

«تیمسار کیا دیدار مرا با علی‌اصغر حکمت برنامه‌ریزی کرد. چندی پیش از این دیدار به من گفته بود «او از خود شماست» من به خوبی به گفته‌اش پی نبرده بودم، تا اینکه پس از چندی دانستم خانواده حکمت (به معنی حاخام)، از یهودیان سرشناس شیراز بوده‌اند و بالای یکصد و بیست سال پیش از سر ناچاری از کیش خویش دست شسته‌اند. شاید هم خواسته‌اند با گزینش نام خانوادگی «حکمت» از تنها یادگار خانوادگی پاسداری کنند، چراکه واژه «حاخام» در زبان عبری برابر با خردمند، فرهیخته، دانشور، دانا یا پژوهنده است. حکمت، هرگز گرایشی به گشودن این راز نداشت...»

علی‌اصغر حکمت بعدا در شورای عالی تشکیلات فراماسونری جعفر شریف امامی به نام «حکومت متحده جهانی» حضور جدی داشت و همراه ماسونهایی همچون سردار فاخر حکمت، دکتر هومن، دکتر علی آبادی و احمد متین دفتری براساس آرمان‌های صهیونی، سناریوی حکومت بلامنازع تشکیلات جهانی فراماسونی در ایران و سایر کشورهای دنیا را دنبال می‌کرد.

بنابر اسناد و مدارک موجود در واقع علی اصغر حکمت و محمود جم (رئیس دولت رضاخان در زمان اجرای طرح کشف حجاب و عامل سرکوب مخالفین آن) دو عامل اصلی عملی ساختن آن توطئه بودند. به این ترتیب دست عوامل مستقیم بهائیت و فراماسونری در تهاجمی دیگر علیه اعتقادات و فرهنگ دینی مردم آشکار می‌شود.

اما خوشبختانه این توطئه ضداسلامی و ضدملی همچون همیشه با مقاومت اقشار متدین مردم و به ویژه روحانیت مبارز مواجه شد. نخستین واکنش از شیراز و در جشن حجاب‌زدایی که با حضور حکمت در مدرسه شاهپور این شهر برگزار شد، آغاز گردید و عده‌ای از حاضرین به اعتراض برخاستند.

فردای آن روز در مسجد وکیل، اجتماع اعتراض‌آمیزی به ابتکار روحانی مبارز سید حسام الدین فال اسیری برگزار شد که به دستگیری وی انجامید. پس از دستگیری فال اسیری، روحانیون حوزه علمیه مشهد به اعتراض برخاستند و پس از بازداشت نماینده‌شان در تهران، در مسجد گوهرشاد گردآمدند و مردم را به اعتراض علیه عملکرد ضد دینی حکومت رضاخانی دعوت کردند. این اجتماع به طرز وحشیانه‌ای توسط عمال رضاخان سرکوب شد، عده زیادی از روحانیون مبارز دستگیر شدند، مدارس دینی تخریب شد و در مشهد حکومت نظامی برقرار گشت. حتی روحانی سرشناس آیت‌الله آقازاده فرزند مرحوم آخوند خراسانی از بنیانگذاران مشروطیت توسط پزشک احمدی مزدور جنایتکار رضاخان، در زندان با آمپول هوا به شهادت رسید. ولی قیام مسجد گوهرشاد، مردم مسلمان را درمورد طرح اسلام‌زدایی رژیم پهلوی آگاه ساخت و حوزه‌های علمیه را بار دیگر به عنوان مبارزان واقعی علیه طرح‌های استعماری مطرح ساخت.

در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴، دستور ممنوعیت حضور زنان با حجاب اسلامی در جامعه از سوی رضاخان صادر شد ولی با پیشینه مردم مسلمان در میدان مبارزه با این توطئه صهیونی رژیم کودتا، همپای روحانیت مبارز و آزادی‌خواهان، زنان نیز خود راسا وارد میدان مبارزه شدند و اگرچه مزدوران پهلوی به جان و مال آنها تعرض می‌کردند اما شجاعانه با حفظ چادر و پوشش خود، حجاب اسلامی را به پرچمی برای مبارزه با دیکتاتوری و استعمار تبدیل نمودند.

۱- Richard Foltz- Spirituality in the land of the noble ۲- بهاییت؛ پاد جنبش تجدید حیات ملت ایران- میکاییل جواهری- موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی- تهران- ۱۳۹۳- چاپ اول
۳- احسان یار شاطر در گفت‌وگو با ماندانا زندیان- ماندانا زندیان- شرکت کتاب- لس‌آنجلس- چاپ اول- فروردین ۱۳۹۵- صفحه ۳۵

واکنش جامعه مدرسین به اهانت نشریه فرانسوی به رهبر معظم انقلاب

اهانت به خورشید ولایت خاک‌پاشی بر آفتاب است

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پی انتشار کاریکاتور توهین‌آمیز نشریه شارلی ابدو فرانسه با صدور بیانیه‌ای این اقدام را محکوم و تأکید کرد: دولت ضد عدالت، ضد معنویت، و ضد فرهنگ متبوع این نشریه بداند در مرداب هرزه‌گرایی و فساد خودساخته غرق خواهد شد و این پایان اجتناب ناپذیر بردگی و بندگی شیطان است.

به گزارش رسا، در این بیانیه آمده است: غرب و رژیم‌های سکولار گرچه در مقام ادعا، شعار حقوق بشر و آزادی سر می‌دهند؛ اما در حقیقت این دو ارزش و شعار را به اسارت در آورده‌اند و با تزویر و فریب، آن را به ابزاری جهت نیل به اهداف شیطانی خود قرار داده‌اند. در سبک زندگی غربی دین کنار گذاشته شده تا لذت‌گرایی و خواست‌های نفسانی ضد انسان را جایگزین کنند. مدعیان عقلانیت، آزادی حقیقی را به مسلخ ولنگاری و اقدامات نامشروع ضد دینی برده‌اند و به مبارزه با خدا و فطرت قیام کرده‌اند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تأکید کرد: اقدام ضد انسانی، ضد دینی و ضد اخلاق نشریه مبتذل یکی از کشورهای اروپایی در اهانت به ارزش‌های الهی همچون اهانت به پیامبر اسلام -صلی الله علیه وآله- در سال‌های پیش، به روشنی نشان می‌دهد که آزادی بیان امروز ابزار سرکوب حقیقت شده است. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اهانت اخیر این نشریه ضد انسانی، به مقام شامخ ولایت، این یگانه پرچمدار اخلاق، معنویت، عدالت و حقوق حقیقی انسانیت در دنیای امروز را محکوم می‌کند. و از متولیان دستگاه دیپلماسی و فرهنگی کشور مؤکدانه می‌خواهد این اقدام ضد فرهنگی را مورد پیگیری حقوقی قرار دهند و صدای اعتراض حق‌طلبان را به گوش جهانیان برسانند.

در ادامه این بیانیه نیز تصریح شده است: دولت ضد عدالت، ضد معنویت، و ضد فرهنگ متبوع این نشریه بداند در مرداب هرزه‌گرایی و فساد خودساخته غرق خواهد شد و این پایان اجتناب‌ناپذیر بردگی و بندگی شیطان است. رهبر معظم انقلاب -دام ظله العالی- در چشم آزادی‌خواهان و حق‌طلبان جهان، عزیز و با عزت است. اهانت به خورشید روشن ولایت، خاک‌پاشی برآفتاب است که غبار آن چشم هتاکان را کور خواهد کرد. و همانا خداوند عِزّ مَن تَشاء وتُذِلّ مَن تَشاء است.

اهانت نشریه فرانسوی به رهبر معظم انقلاب از سر ناتوانی غرب در مقابله با امواج فزاینده انقلاب است

به گزارش رسا، آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه نیز در واکنش به اقدام وقیحانه نشریه فرانسوی نسبت به رهبر معظم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: مجله‌ای وقیح که توهین و گستاخی به پاکترین باورهای میلیون‌ها انسان را رویه عادی شده خود قرار داده و دامن هنر را به بی‌حرمتی‌ها آلوده است باری دیگر به هجمه‌ای شیطانی بر علیه ارزش‌های انسانی و الهی، نام مبارک حضرت حق تعالی (تبارک اسمه و جل جلاله) و رمز مرجعیت شیعه و شخصیت عظیم‌الشأن رهبری معظم (دام ظله) اقدام کرده است. بی‌گمان این طرح ابلیس حلقه‌ای از نقشه شوم دین‌زدایی و یورش به بنیان‌های هویت توحیدی و اسلامی و جنگ ترکیبی و حرمت‌شکنی ارزش‌های انسانی و الهی و اسلامی و انقلابی است که پاسخی درخور می‌طلبد.استهزاء، بی‌شرمی و چنگ‌انداختن بر چهره درخشان انقلاب اسلامی و رهبر فرهیخته آن نشان از بغض پنهان و آشکار قدرت‌های استعماری و شکست مفتضحانه آنها در جنایت‌ها، توطئه‌ها و فتنه‌انگیزی‌های سالیان متمادی دارد و آزادگان عالم آنها را واکنشی رذیلانه می‌دانند که از سر استیصال و ناتوانی در مقابله با امواج فزاینده و عظمت انقلاب اسلامی بدان تشبّث می‌شود.

زورمداران و مستکبران عالم بدانند که این حرمت‌شکنی‌ها، نتیجه‌ای جز رسوایی و نکبت و بی‌آبرویی برای آنها به همراه نخواهد داشت. اراده الهی بر اتمام نور و حقانیت اسلام ناب مستقر است و خداوند متعال با همه جنود زمینی و آسمانی این اراده را محقق خواهد کرد. یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم والله متمّ نوره و لو کره الکافرون؛ هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون (صف ۸ و ۹)

در بخش دیگری از بیانیه یادشده تصریح شده است: حرکت زنجیره‌ای برخی از نشریات مبتذل در سال‌های اخیر در پاره‌ای از کشورها به‌ویژه فرانسه نشان دهنده سیاستی پنهان در مبارزه آشکار با اسلام و امت اسلامی و عمدتا برای انحراف افکار عمومی از خشونت‌های سیستمی و تبعیض گسترده حقوق بشر در آن کشورها است، حرکتی که از توهین به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم آغاز و به جسارت به مقام شامخ مرجعیت و آزار مسلمانان و منع حجاب رسیده و اوج زشتی و پلشتی و رذالت آن را در این حادثه دردناک شاهدیم، لازم است مجامع غربی و دولت‌های اروپایی به افکار عمومی جهان اسلام پاسخگو باشند و اقدامات بازدارنده انجام دهند، دولت فرانسه نیز می‌باید از کینه‌توزی‌های پیوسته خود دست بردارد و این ناهنجاری‌های ارزش‌ستیزانه و رفتارهای غیر قابل پذیرش و بر خلاف عرف و ارزش‌های انسانی و بین‌المللی خود را جبران و عذرخواهی نماید و گرنه باید آماده عکس‌العمل قاطع ملت‌های مسلمان باشد.

آیت‌الله اعرافی خاطرنشان کرد: مقام مرجعیت و نهاد عالمان دین برآمده از تاریخی بزرگ و سرشار از دانش و معرفت و فضیلت و کانون عشق و ارادت به ارزش‌های اخلاقی و معنوی و سلسله جنبان نهضت‌ها و جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادی‌بخش از استبداد و استعمار و دفاع از حقوق مظلومان و نجات امت‌های ستمدیده و آزاده و استقلال کشورهای به استثمار کشیده شده است و طبیعی است که استثمارگران و کشورهای دارای پیشینه استعمارگری و تجاوز پیشگی از آن کینه در دل داشته باشند؛ اما رعایت حداقل آزادگی و شرم و حیا ضرورتی قاطع دارد و بدون تردید حرمت شکنی و قداست‌زدایی اخیر نسبت به نهاد دین و شخصیتی عالیقدر که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان از او پیروی می‌کنند و به او عشق و ارادت می‌ورزند، بر خلاف هنجارهای پذیرفته شده اخلاقی و انسانی بوده و نقض قوانین و عرف بین‌المللی به شمار می‌آید و برای آزادی خواهان و مسلمانان و ملت بزرگ ایران غیر قابل تحمل است.

در این بیانیه همچنین آمده است: بی‌گمان مردم و جوانان مسلمان در سراسر گیتی با شجاعت و هوشیاری از همه ظرفیت‌های قانونی، قدرت‌های ملی و مردمی و سرمایه‌های اجتماعی برای تحت تعقیب قرار دادن و مجازات مجرمان و آمران این بی‌شرمی بهره برده و احساسات پاک و انزجار خود را نسبت به این هجوم شیطانی نشان خواهند داد و آن را محکوم خواهند کرد و مطالبات خود را فریاد خواهند زد. در پایان از تمامی دولت‌های اسلامی، دولت‌های مستقل و آزاده، قوه مجریه و دستگاه قضایی، وزارت خارجه و سایر نهادهای جمهوری اسلامی ایران انتظار می‌رود همه توان خود را برای برخورد با این اقدام ناپسند و پیشگیری از وقوع مجدد چنین جنایاتی بکار گیرند و این پرونده را پیگیری و نتایج آن به محضر ملت عظیم‌الشان و همه آزادگان سراسر جهان گزارش نمایند. وَسَیَعلَمُ الّذینَ ظَلَموا أیّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبونَ (و آنها که ستم کردند به زودی خواهند دانست که بازگشتشان به کجاست!)

با حکم فرمانده معظم کل قوا انجام شد

انتصاب سردار «احمدرضا رادان» به فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در حکمی سردار سرتیپ احمدرضا رادان را به فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران منصوب کردند.

متن حکم فرمانده کل قوا به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سردار سرتیپ احمدرضا رادان

با پایان یافتن دوران مأموریت سردار اشتری و با ابراز قدردانی و رضایتمندی از خدمات ایشان، شما را به فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم.

توصیه اکید اینجانب، جلب رضایت خداوند متعال و در امتداد آن، جلب رضایت مردم عزیز در حراست از امنیت و تأمین آسایش عمومی است. ارتقاء توانائی‌های سازمان و صیانت از شأن کارکنان و پرورش پلیس تخصصی برای بخش‌های گوناگون امنیت توصیه مهم دیگر است.

از دستگاه‌های گوناگون کشوری انتظار می‌رود با سازمان انتظامی کشور، همکاری لازم را مبذول دارند.

توفیق همگان را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای
۱۷ دی ۱۴۰۱

به بهانه سومین سالگرد حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی آمریکا در عراق

تحقیر آمریکا در عین‌الاسد

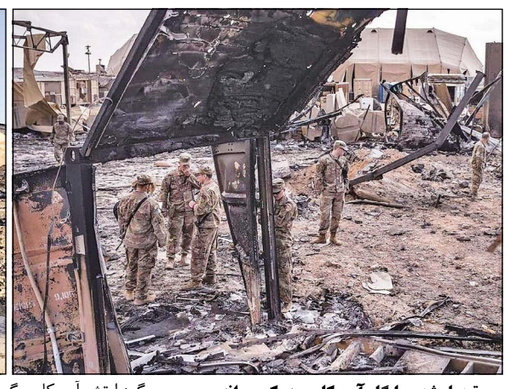

سرویس سیاسی-

موشک‌باران پایگاه آمریکایی عین‌الاسد توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شرایطی رخ داد که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، هیچ کشوری جرأت رویارویی و حمله مستقیم به پایگاه‌های نظامی آمریکا را نداشته است.

ساعت ۱:۲۰ بامداد ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ در مقطعی که حدود ۵ روز از اقدام جنایتکارانه دولت تروریست آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی سپری شده بود، دلاورمردان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی عملیاتی موفق به نام عملیات شهید سلیمانی با رمز مقدس یا زهرا(س) با شلیک ده‌ها موشک فروند زمین به زمین، پایگاه نیروهای تروریست و متجاوز آمریکا موسوم به عین‌الاسد در استان الانبار عراق را در هم کوبیدند.

پایگاه نظامی عین‌الاسد که در زمان دیکتاتوری صدام، القادسیه نام داشت، دومین پایگاه هوایی بزرگ عراق است که در ۱۰۸ کیلومتری غرب شهر رمادی واقع شده و در سال ۲۰۰۳ به اشغال نیروهای آمریکایی در آمد و تا سال ۲۰۱۱ در تصرف آنان بود. در پایان سال ۲۰۱۴ و به بهانه دروغین «مبارزه با داعش»، بار دیگر این پایگاه در اختیار نظامیان آمریکایی قرار گرفت.

پایگاه عین‌الاسد یک شهر نظامی با وسعت ۵۰ کیلومترمربع است و صدها تأسیسات و قرارگاه نظامی و ده‌ها فروند هواپیما و ده‌ها فروند بالگرد و پهپاد در این پایگاه وجود داشت.

پایگاه عین‌الاسد، همان پایگاهی است که ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا پیش از آن در سکوت خبری و در خفا برای جشن سال نو میلادی به آن سفر کرد و همان پایگاهی است که ترامپ گفته بود؛ میلیاردها دلار برای آن صرف کرده و حاضر نیست آن را ترک کند.

اقدامی بی‌سابقه از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون

موشک‌باران پایگاه آمریکایی عین‌الاسد توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شرایطی رخ داد که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، هیچ کشوری جرأت رویارویی و حمله مستقیم به پایگاه‌های نظامی آمریکا را نداشته است.

ساعاتی پس از موشک‌باران پایگاه عین‌الاسد، رهبر معظم انقلاب این حمله موشکی را یک «سیلی» عنوان کردند و فرمودند: «بحث انتقام بحث دیگری است» و «در مقام مقابله، این اقدامات نظامی به این شکل کفایت نمی‌کند بلکه باید حضور فسادبرانگیز آمریکا در منطقه تمام شود.»

نکته قابل توجه اینجاست که به جهت سرپوش گذاشتن بر تحقیر آمریکا، از همان ابتدای انتشار خبر موشک‌باران عین‌الاسد، اخبار ضدونقیضی در مورد میزان خسارات و تلفات وارد شده به نظامیان آمریکایی مستقر در این پایگاه از سوی مقامات این کشور منتشر شد.

تبدیل شدن پایگاه آمریکایی به یک ویرانه

شبکه خبری آمریکایی سی‌ان‌ان سه روز پس از موشک‌باران و در کادرهایی بسته نخستین تصاویر ویدیویی را از پیامدهای حمله پایگاه عین‌الاسد منتشر کرد.

آروا دامون خبرنگار این شبکه با حضور در ویرانه‌های برجا مانده از آنچه زمانی یک پایگاه مجهز نیروهای آمریکا بود، فیلمی مستند از خرابی‌های ناشی از اصابت موشک‌های ایران را به تصویر کشید.

وی در گزارش خود گفت که تقریباً هیچ چیز از پایگاه باقی نمانده و خیلی عجیب است که در چنین ویرانه‌ای، به کسی آسیب نرسیده باشد.

ضربه مغزی ملایم!

در آن مقطع فرمانده نیروهای تروریست سنتکام درباره سیلی ایران به آمریکا با موشک‌باران پایگاه نظامی عین‌الاسد، گفت: حمله‌ای بود که قطعا مشابه آن را هرگز مشاهده یا تجربه نکرده بودیم... موشک‌ها دقیق بودند. آنها کاملا به همان جایی که می‌خواستند، برخورد کردند.

در یک نمونه دیگر، سرهنگ دوم تیم گارلند نظامی آمریکایی درباره حمله موشکی ایران گفت: «ما در آن لحظات به شدت تقلا می‌کردیم که چگونه از خود در برابر موشک‌ها حفاظت کنیم... من آن لحظه ترسیده بودم!» وی در پاسخ به این سؤال که آیا پایگاه قابلیت دفاع در برابر موشک‌های بالستیک را داشت، گفت: «خیر، این یک تهدید بی‌سابقه بود.»

سرهنگ دوم استیسی کالمن که از دیگر حاضران در عین‌الاسد در زمان حمله ایران بود، تنها دفاع واقعی در برابر حمله موشک‌های بالستیک را فرار عنوان کرد و گفت: «ما باید کاری می‌کردیم که نیروها بمانند و از توان جنگی خود بهره ببریم.»

به گفته منابع آمریکایی، بیش از یکصد سرباز آمریکایی با وجود اینکه در پیشرفته‌ترین سنگرهای زیرزمینی مخفی شده بودند، اما به دلیل شدت بسیار بالای انفجارها، دچار آسیب‌های مغزی جدی شده‌اند که با عوارض وحشتناک ماندگاری چون کابوس دیدن همیشگی همراه است! آلن جانسون سرگرد ارتش آمریکا می‌گوید که هنوز سردرد دارد، گوش‌هایش زنگ می‌زند و کابوس می‌بیند. وی نمی‌داند که چطور زنده مانده است!

روزنامه واشنگتن‌پست نیز به نقل از یک مقام نظامی که در پایگاه عین‌الاسد حضور داشت، نوشت که در نتیجه این حملات، دست‌کم دو نظامی آمریکایی از پنجره یک برجک دیدبانی به بیرون پرتاب شده و ده‌ها نفر دیگر نیز از حال رفتند.

مقام‌های آمریکایی به تدریج و با سیاست «اطلاع‌رسانی قطره‌چکانی» تلاش کردند واقعیت‌های مکتوم این حملات را اندک‌اندک منتشر کنند. در همین رابطه ائتلاف بین‌المللی ضدداعش تحت رهبری آمریکا ۲۶ دی اذعان داشت که در حمله موشکی ایران ۱۱ نظامی آمریکایی آسیب دیده‌اند.

این ائتلاف در بیانیه خود اعلام کرد در حالی که هیچ نیروی نظامی در حمله ایران به عین‌الاسد کشته نشدند، «چندین نظامی» به‌دلیل علائم آسیب مغزی ناشی از انفجار، تحت معاینه و مداوا قرار گرفتند و دچار ضربه ملایم مغزی شدند.

پس از آن دولت آمریکا رسماً اعلام کرد عده‌ای از نظامیان خود را به‌دلیل آنچه «ضربه مغزی ملایم» توصیف کرده به مراکز پزشکی پیشرفته در آلمان منتقل کرده است. هرچند «مارک اسپر» وزیر دفاع وقت آمریکا ۴ بهمن ۱۳۹۸ از اعلام دقیق آمار مصدومان عین‌الاسد خودداری کرد و همزمان رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند پنتاگون تصمیم گرفته درباره مصدومان عین‌الاسد دیگر اطلاع‌رسانی نکند اما روز شنبه واشنگتن اعلام کرد تاکنون ۳۴ نظامی به مراکز پزشکی منتقل شده‌اند.

ارتش آمریکا تا آبان ۱۴۰۰ از افزایش آمار شمار سربازانی که به‌دلیل آسیب دیدن در حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد شایسته دریافت مدال شجاعت بودند خودداری می‌کرد، زیرا طبق اذعان رسانه‌های آمریکا، انجام این کار با سیاست واشنگتن که کوچک‌نمایی تبعات حمله بود تناقض داشت.

با این حال، شبکه خبری سی‌بی‌اس در تاریخ ۲۰ آبان ۱۴۰۰ گزارشی منتشر کرده و تصریح کرد که ده‌ها نفر از کسانی که در آن حمله موشکی زخمی شده‌اند واجد شرایط دریافت مدال «قلب ارغوانی» (مدال شجاعت که رئیس‌جمهور آمریکا به مجروحین و کشته‌شدگان جنگ می‌دهد) بوده‌اند اما دولت آمریکا برای آنکه نمی‌خواسته شمار زخمی‌ها را افزایش دهد درخواست برای اعطای مدال شجاعت به آنها را رد کرده است.

ضربه محکم نظامی جمهوری اسلامی در عین‌الاسد هرچند با هدف کشتار گسترده و گرفتن تلفات زیاد از آمریکایی‌ها طراحی نشده و بر زدن زیرساخت‌ها و تخریب مراکز و سلاح‌های نظامی تمرکز یافته بود، اما رعب و وحشت بی‌سابقه‌ای در دل سربازان و نیروهای نظامی ایجاد کرد و ترس از مواجهه با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را در حافظه تاریخی آنان برای همیشه ثبت نمود.

توخالی بودن تهدیدهای آمریکا

یکی از دستاوردهای حمله به عین‌الاسد را می‌توان رسوایی توخالی بودن تهدیدات و بلوف‌های آمریکایی دانست که همواره تلاش دارد تا رقبا و مخالفین خود را مرعوب کرده و از صحنه به در برند! این سناریوی آمریکایی‌ها در طول سالیان متمادی در مواجهه با رقبای سیاسی بارها تکرار شده و جواب هم داده است؛ اما این‌بار جمهور اسلامی توخالی بودن این بلوف‌ها را نمایان ساخت.

اخراج کامل آمریکا از منطقه

آنچه در ماجرای حمله به عین‌الاسد محقق شد تنها بخشی از آنچه انتقام سخت خوانده می‌شود بود؛ و باید در انتظار اقدامات اثرگذارتری بر پیکره دشمنان بشریت بود. بهترین تعبیر در این زمینه متعلق به رهبر معظم انقلاب اسلامی است که چند ساعت بعد از حمله ایران به پایگاه عین‌الاسد، معظم‌له در دیدار با مردم قم فرمودند: «بحث انتقام و مانند این حرف‌ها، بحث دیگری است؛ حالا یک سیلی‌ای دیشب به اینها زده شد؛ این مسئله دیگری است. آنچه در مقام مقابله مهم است، این کارهای نظامی به این شکل، کفایت آن قضیه را نمی‌کند، این است که بایستی حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه منتهی بشود؛ تمام بشود.»

محمد جواد لاریجانی: مسجد مکی مصداق مسجد ضرار است

تحلیلگر مسائل سیاسی و بین‌الملل با بیان اینکه مسجد مکی امروز مصداق مسجد ضرار است، گفت: عبدالحمید پروژه دشمنان ایران را پیش می‌برد.

محمد جواد لاریجانی تحلیلگر مسائل سیاسی و بین‌الملل در گفت‌وگو با فارس با اشاره به اظهارات و مواضع اخیر مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه مسجد مکی زاهدان گفت: در دوره اصلاحات به عبدالحمید میدان دادند و در مواردی که او امروز فکر می‌کند که توانمندی دارد فراموش کرده که این توانمندی‌ها مرتبط با کجا بوده است.

وی با بیان اینکه در مورد تحریکاتی که امروز آقای عبدالحمید انجام می‌دهد دولت‌های آقایان روحانی و خاتمی مسئولیت مهمی دارند، گفت: جبهه انقلاب بر اساس حق‌مداری و تحمل دیگران است. ما در مکتب اسلام دو مکتب بسیار مهم داریم یکی مکتب اهل تسنن و یکی مکتب تشیع. جمهوری اسلامی بر اساس اسلام منبعث از مکتب اهل بیت تشکیل شده، مکتب اهل بیت هم فقط برای ایران نیست.

لاریجانی یادآور شد: اساس کار ما بر این نیست که به مسائل فرقه‌ای دامن بزنیم اما ایشان (عبدالحمید) به طور کلی فاقد حیثیت علمی است و مدام به تمام تحریکات اجانب و فرقه‌های مختلف دامن می‌زند.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: به نظر من این نیاز امروز وجود دارد که جبهه انقلاب با عبدالحمید تعارف را کنار بگذارد؛ او نمی‌تواند در داخل ایران باشد و بگوید که من ایرانی هستم ولی در کشور سیاست دشمنان ایران را پیش ببرد.

لاریجانی تصریح کرد: خدمتی که جمهوری اسلامی در منطقه سیستان و بلوچستان کرد در تاریخ این خطه بی‌نظیر است